

دعای ۱۸۷- مناجات خمس عشر مناجات سپاسگزاران



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش فراگیر و مهربانی اش همیشگی است

إِلَهِي أَذْهَلَنِي عَنْ إِقَامَةِ شُكْرِكَ تَتَابَعُ طَوْلِكَ،
وَأَعْجَزَنِي عَنْ إِحْصَاءِ ثَنَائِكَ فَيُضْ فَضْلِكَ، وَ
شَغَلَنِي عَنْ ذِكْرِ مَحَامِدِكَ تَرَادُفُ عَوَائِدِكَ، وَ
أَعْيَانِي عَنْ نَشْرِ عَوَارِفِكَ تَوَالِي أَيَادِيكَ،

محبوبم! نعمت‌های پی‌پی تو، مرا از ادای شکر تو غافل کرد،
و فیضان فضل و کرم، مرا از شمارش ستایش تو درمانده
ساخت. و پی در پی رسیدن نعمت‌های، مرا از یادآوری
ستایش‌های شایسته‌ات بازداشته است، و مرحمت‌های
متوالی‌ات، مرا از نشر و بیان بخشش‌ها و احسان‌های ناتوان
کرده است.

وَهَذَا مَقَامُ مَنْ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعَمَاءِ وَقَابَلَهَا
بِالتَّقْصِيرِ، وَ شَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْإِهْمَالِ وَ
التَّضْيِيعِ، وَأَنْتَ الرَّءُوفُ الرَّحِيمُ الْبَرُّ الْكَرِيمُ
الَّذِي لَا يُخَيِّبُ قَاصِدِيهِ، وَلَا يَطْرُدُ عَنْ فَنَائِهِ
أَمَلِيهِ،



واین (عجز و ناتوانی) جایگاه کسی است که به نعمت‌های بی‌کران تو اعتراف دارد، اما در شکرگزاری کوتاهی کرده است. کسی که خود را به بی‌توجهی و هدر دادن نعمت‌ها متهم می‌کند. اما تو، همان خدای مهربان و بخشنده و نیکوکار و بزرگواری هستی که هرگز بندگانی را که به درگاهت روی می‌آورند ناامید نمی‌کنی و آن‌هایی را که با امید به درگاهت آمده‌اند، از آستان رحمت دور نمی‌سازی.

بِسَاحَتِكَ تَحُطُّ رِحَالُ الرَّاجِينَ وَبِعَرَصَتِكَ تَقِفُ
أَمَالُ الْمُسْتَرْفِدِينَ، فَلَا تُقَابِلُ أَمَالَنَا بِالتَّخْيِيبِ وَ
الْإِيَّاسِ وَلَا تُلْبِسُنَا سِرْبَالَ الْقُنُوطِ وَالْإِبْلَاسِ.

امیدواران همه به ساحت قدس تو بار افکندند، و آرزوهای کسانی که در طلب عطا هستند در درگاهت به حالت توقف درمی‌آید. پس امیدهای ما را با ناامیدی و یأس مواجه نکن و لباس ناامیدی و افسردگی را بر تن ما مپوشان.

إِلٰهِي تَصَاغَرَ عِنْدَ تَعَاطُفِ آلَائِكَ شُكْرِي، وَ
تَضَاعَلْ فِي جَنْبِ إِكْرَامِكَ إِيَّايَ ثَنَائِي وَنَشْرِي،
جَلَّلْتَنِي نِعْمَكَ مِنْ أَنْوَارِ الْإِيمَانِ حُلًّا، وَضَرَبْتَ
عَلَيَّ لَطَائِفَ بَرِّكَ مِنَ الْعِزِّ كِلَالًا، وَ قَلَّدْتَنِي
مِنْكَ قَلَائِدَ لَا تُحَلُّ، وَ طَوَّقْتَنِي أَطْوَاقًا لَا تُفَلُّ،

محبوب من! در برابر بزرگی و عظمت نعمت‌های تو، شکر من بسیار کوچک است. و در برابر اکرام و لطفی که به من داری، ستایش و بیان من از آن بسیار کم و ناچیز است. نعمت‌های تو مرا به زیور انوار ایمان پوشانید، و لطایف نیکی و بخشش تو تاج عزت بر سرم نهاد. نعمت‌های تو گردنبندهایی به گردنم آویخت که هیچ‌گاه گشوده نشوند، و طوق‌هایی از محبت بر من آویخت که از هم نخواهند گسست.

فَالْأَوَّلُ جَمَّةٌ ضَعْفَ لِسَانِي عَنْ إِحْصَائِهَا، وَ
نَعْمَاؤُكَ كَثِيرَةٌ قَصُرَ فَهْمِي عَنْ إِدْرَاكِهَا، فَضْلاً
عَنِ اسْتِثْقَائِهَا، فَكَيْفَ لِي بِتَحْصِيلِ الشُّكْرِ وَ
شُكْرِي إِيَّاكَ يَفْتَقِرُ إِلَى شُكْرٍ؟ فَكَلَّمَا قُلْتُ لَكَ
الْحَمْدُ وَجَبَ عَلَيَّ لِذَلِكَ أَنْ أَقُولَ لَكَ الْحَمْدُ.

بخشش‌های تو بسیار است، تا جایی که زبان من از شمارش آن‌ها ناتوان است و نعمت‌هایت آنقدر زیاد است که عقل من از درک آن‌ها عاجز. چه برسد به اینکه بخواهم تمام آن‌ها را بشمارم. پس چگونه می‌توانم شکر تو را به درستی به جا بیاورم، در حالی که خود این شکر من، نیازمند شکرگزاری دیگری است؟ هر بار که به تو می‌گویم «الحمد لله»، باید دوباره بگویم «الحمد لله» به خاطر اینکه توانستم این سخن را بگویم.

إِلَهِی فَاكْمَا غَدَّیْتَنَا بِلُطْفِكَ وَرَبَّیْتَنَا بِصُنْعِكَ،
فَتَمِّمْ عَلَیْنَا سَوَابِغَ التَّعَمُّمِ، وَادْفَعْ عَنَّا مَكَارَةَ
التَّقَمُّمِ، وَآتِنَا مِنْ حُظُوظِ الدَّارِیْنِ اَرْفَعَهَا وَاجْلَلَهَا
عَاجِلًا وَآجِلًا،

محبوب من، همانطور که ما را با لطف خود تغذیه کردی و
با دست خود پرورش دادی، نعمت‌های کامل‌ترو کامل‌ترت
را بر ما تمام کن و ناکواری مشکلات ناخوشایند را از ما
دور کن. و به ما از برکات دوجهان، بالاترین و بزرگ‌ترین
نصیب‌ها را عطا کن، چه در این دنیا و چه در آخرت.

وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ بَلَائِكَ وَسُبُوغِ نِعْمَائِكَ،
حَمْدًا يُوَافِقُ رِضَاكَ وَيَمْتَرِي الْعَظِيمَ مِنْ بَرِّكَ وَ
نَدَاكَ، يَا عَظِيمُ يَا كَرِيمُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ.

وتمام حمد و سپاس‌ها برای توست به سبب ابتلا و آزمایش‌های
نیکو و خوبت؛ شکر و سپاسی که در خور رضای تو باشد و
بخشش عظیم و عطای بی‌پایان تو را به دنبال داشته باشد.
ای خدای بزرگ، ای بزرگوار، به حق رحمت بی‌پایانت، ای
مهربان‌ترین مهربانان.